



# امیرپالیسہ

پدید آورنده : نرجس رسا

کارشناسی روابط بین الملل

[r.narjes1367@yahoo.com](mailto:r.narjes1367@yahoo.com)

امپریالیسم حاکمیت مستقیم و غیر مستقیم بر سرزمین های وابسته یا مستعمره توسط یک کشور صنعتی نوین نبود ، بلکه حاکمیت شخصی یک حاکم نیرومند بر عده بی شماری سرزمین ها چه در اروپا و چه در آنسوی دریاها اطلاق می شد ... فقط در سالهای بعد بود که اصطلاح امپریالیسم معنی هدف دار خود را به عنوان نظامی بر پایه چیرگی حکومت امپراتوری از دست داد و عموماً به عنوان گسترش یک کشور در بیرون از مرزهایش برای ایجاد سرزمین های وابسته خارجی و در صورت امکان اتحاد آنها زیر لوای یک امپراتوری جهانی ، شناخته شد ... امپریالیسم ... (در غرب) ... در اصل یک پدیده سیاست بازی به شمار می آمد که شامل گسترش حکومت های قدرت های بزرگ اروپایی به سراسر کره زمین می شد .

## امپریالیسم

تعریف مفاهیم

### امپریالیسم ( Imperialism )

واژه امپرال (Imperial) که از ریشه لاتینی ( Imperilim ) گرفته شده ، در دهه آخر قرن نوزدهم در انگلستان رواج یافت . این کلمه به سرعت وارد زبانها و کشورهای دیگر نیز شد و از آن برای بیان کشاکشهای قدرتهای اروپایی رقیب ، برای به دست آوردن مستعمره و حوزه نفوذ در افریقا و دیگر قاره ها استفاده شد .<sup>1</sup> به طور کلی واژه امپریال به معنای قدرت مطلقه ، حق حاکمیت مطلق ، اختیار مطلق ، امپراتوری ، حق فرمانروایی و اجرای قانون است . اما اصطلاح امپریالیسم به اعمال سیاستهای توسعه طلبانه اقتصادی و برتری طلبی ( هژمونی ) سیاسی دولت‌های نیرومند بر ملت یا ملت‌های دیگر اطلاق می شود .<sup>2</sup>

### ویژگیهای امپریالیسم

با توجه به سیاستهای حاکم بر امپریالیسم ، ویژگی ذاتی این نظام استکباری چنین اند :

**1-1 . سلطه گری :** امپریالیسم غرب از گذشته دور تاکنون شیوه های گوناگون سلطه خود را بر ملت‌ها به ویژه ملت‌های ضعیف تحمیل کرده است . این سلطه گری خواه به صورت بارز و روشن در قالب حاکمیت سیاسی مبتنی بر زور و برخلاف اراده و رضایت مردم و خواه به شکل ضمنی و بهره گیری از سازمان سیاسی ، آنچنان کنترل و قید و بندی بر مردم یک کشور ایجاد می کند . که فعالیت آنان را به مقتضای تأمین نیازها و منافع نظام حاکم سلطه شکل می دهد . دامنه این رابطه سلطه آمیز ، از مستحیل کردن مردم آغاز می شود و به شکلهای دیگری چون استقرار مستعمرات در سرزمین‌ها با عنوان حکومت‌های خود مختار ، تعمیم می یابد .<sup>3</sup>

**2-1 . برتری طلبی :** امپریالیسم معاصر برای تصاحب منافع و سرمایه های ملل دیگر و توسعه قلمرو جغرافیایی حکومت خود به ناسیونالیسم همراه با حس برتری طلبی و غرور توجه کرده ، با این بهانه ملت‌های گوناگون را به درگیری با یکدیگر می کشاند و در این میان به منافع مورد نظر خود می رسد .<sup>4</sup>

**3-1 . توسعه طلبی :** گروهی از حامیان امپریالیسم جهانی معاصر ، هدف و فلسفه وجودی و توسعه طلبی امپریالیسم و استعمار جدید را گسترش تمدن غربی در ممالک عقب مانده می دانند . اما واقعیت این است که امپریالیسم غربی با بهره گیری از تحقیقات اجتماعی دانشمندان غرب و با به رخ کشیدن پیشرفتهای سریع تکنولوژیک خود تلاش دارد ممالک غربی را به عنوان متمدن ترین ملل جهان و دارای نبوغ ذاتی معرفی کند و با ایجاد احساس حقارت در مردم جهان سوم ، زمینه گرایش روانی و فکری آنها را به سوی تمدن غربی فراهم نماید .<sup>5</sup>

**4-1. قدرت طلبی:** امروزه امپریالیسم جهانی به شدت گرفتار شهوت قدرت طلبی شده و پیشرفتهای عظیم صنعتی و اقتصادی انگیزه و روحیه قدرت طلبی او را تا سرحد جنون تشدید کرده است. ما در همه جای جهان به ویژه در خاورمیانه شاهد تلاش امپریالیستهای غربی به ویژه آمریکایی در جهت وصول به مقام و مرتبه ابر قدرتی و بقا در این مرتبه هستیم. حضور آنان در کشورهای چون افغانستان و عراق به وضوح قدرت طلبی بی حصر و مرز زمامداران خود سر و خون آشام حاکم بر کشورهای امپریالیستی را نشان می دهد.<sup>6</sup>

### استعمار (Colonialism)

این واژه در لغت به معنای آبادانی خواستن و در فرهنگ سیاسی، تسلط مملکتی قوی بر مملکتی ضعیف به قصد استفاده از منابع طبیعی و نیروی انسانی آن و تظاهر به آباد ساختن کشور و رهبری مردم برای ترقی است.<sup>7</sup> استعمار یا سیاست استعماری و استعمارگری را چنین نیز تعریف کرده اند:

سیاست مبتنی بر برده کردن، سودجویی از منابع طبیعی و بهره کشی از مردم کشورهای از نظر اقتصادی کم رشد و جلوگیری از پیشرفت فنی، اقتصادی و فرهنگی آنها برای تحکیم سلطه سیاسی، نظامی و فرهنگی و اقتصادی دولت استعمارگر.<sup>8</sup>

**استعمار نو (Neo – colonialism):** امروزه از روش جدیدی برای بهره کشی از مردم و منابع آنان استفاده می شود که به آنان «استعمار نو» می گویند.

**استعمار نو عبارت از:** اعمال سیاستهای غیر مستقیم استعمارگران به منظور بر سرکار آوردن حکومتهای بومی وابسته جهت مقابله با موج نهضت‌های استقلال طلبانه و آزادی خواهانه در جهان است.

**تفاوت استعمار قدیم و جدید** در این است که استعمار قدیم به منظور ایجاد سلطه خود بر کشورهای ضعیف به لشکرکشی و نیروی نظامی متوسل می شود، ولی در استعمارگری جدید، استعمارگر به طور مستقیم حکومت نمی کند، بلکه اعمال محدودیت‌های گوناگون اقتصادی و فرهنگی، جذب و جلب نیروی انسانی متخصص از کشورهای توسعه نیافته و ایجاد حکومت‌های دست نشانده، از مظاهر استعمار جدید است.<sup>9</sup>

### سیر تاریخی امپریالیسم

امپریالیسم به معنای امپراتوری - یعنی بسط نفوذ و قدرت خویش در کشورهای دیگر - سابقه ای طولانی دارد. امپریالیسم یک شکل قدیمی از اقدامات حکومتی است که همواره وجود داشته است.

**سیر تاریخی امپریالیسم را به طور عام به چهار بخش مجزا تقسیم می نمایند:** امپراتوری اولیه، امپریالیسم قدیم، سکون امپریالیسم و امپریالیسم نو.

## 1. امپراتوریهای اولیه

امپراتوری اصطلاحی است که معمولاً به کشور بزرگی اطلاق می‌شود که کنترل سیاسی را بر دیگران، با رضایت یا عدم رضایت کشور تحت سلطه اعمال می‌کند. یک امپراتوری معمولاً به صورت مرکزی اداره می‌شود، نظیر امپراتوری آلمان از 1871 تا 1918 میلادی بدیعی است جریان و مراحل و اصول ایجاد امپراتوری با جریان تشکیل یک کشور مبتنی بر ملیت متفاوت است.

در زمانهای مختلف و در محدوده‌های ارضی متفاوت، انگیزه‌های اقتصادی، استراتژیکی و روانی گوناگون باعث شده‌اند تا یک کشور حاکمیتش را بر سرزمین یا کشور دیگری تحمیل کند. از امپراتوریهای بابل، آشور، مصر و ایران می‌توان به عنوان مهم‌ترین امپراتوریهای دوران اولیه نام برد که نمونه‌هایی از مفهوم ابتدایی امپریالیسم هستند.

## 2. امپریالیسم قدیم

امپراتوری با سیاستهای امپریالیستی از دوران قدیم در اشکال و نقاط مختلف وجود داشته است. امپریالیسم قدیم با شروع اکتشافات غربی متولد گردید و دولتهایی نظیر پرتغال، اسپانیا، فرانسه و هلند موفق‌ترین آنها در ایجاد امپراتوریهای مستعمراتی بودند که تا دوران اخیر هنوز، آثار آنها وجود دارد. این کشورها اغلب به صورت مجرد و حتی رقیب یکدیگر عمل می‌کردند، اما از قرن پانزدهم تا اوایل قرن نوزدهم، سیستمی را پایه نهادند که به «سیستم مستعمراتی امپریالیسم قدیم» مشهور گشت.

**می‌توان گفت مهم‌ترین انگیزه و علل تولد و رشد امپریالیسم قدیم موارد زیر بوده‌اند:**

- مستعمره وسیله‌ای برای توسعه سیستم دولتهای اروپایی بود.
- مستعمره وسیله‌ای برای تقویت یک دولت به حساب می‌آمد.
- در مواردی، مستعمرات منابع جست و جوی طلا و سایر فلزات قیمتی بودند.
- درآمدهای حاصل از مستعمرات و به خصوص فلزات قیمتی آنها، نظیر طلا، صرف ایجاد ارتشهای مزدور برای اعمال سیاستهای دولتهای اروپایی می‌گردید.
- مستعمره به عنوان یک عامل کسب وجهه برای پادشاهان بود
- محرکهای مذهبی به خصوص اعزام مبلغین مسیحی، انگیزه دیگری برای توسعه مستعمرات بود.<sup>10</sup>

## 3. سکون امپریالیسم

کوششهای بسیار دولتهای غربی برای تسلط بر سرزمین‌های وسیع که از اواخر قرن پانزدهم میلادی شروع شد، به چند دلیل در قرن نوزدهم فروکش نمود. مهم‌ترین علل این سکون و فروکش را می‌توان چنین برشمرد.

1-3 . رواج نظریه مرکانتیلیسم نو ( Mercantilism ) :<sup>11</sup> این فکر را در دولتهای استعماری تقویت نمودند که هرگاه استثمار منابع یک سرزمین از طریق تجارت ممکن باشد ، دیگر لزومی ندارد کشور امپریالیستی مشکلات و مخارج نگهداری مستعمرات را متحمل شود .

2-3 . شاید عامل مهم دیگر در سکون ، کوشش برای تسخیر مستعمرات جدید بود که دولتهای استعماری آن زمان ، اولاً حداکثر سرزمین های قابل بهره کشی را تصاحب و بین خود تقسیم نموده بودند و ثانیاً با توجه به امکانات تحلیل رفته خود در جنگهای ناپلئون ، از یک سو در توان خود نمی دیدند که سرزمینهای بیشتری را تصرف کنند و از سوی دیگر تمایل به ایجاد رقابت و درگیری با یکدیگر نداشتند .

نتیجه آنکه با توجه به وقایع اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی برای مدتی هرچند کوتاه ، کوشش برای تصرفات جدید با تشکیل امپراتوریهای جدید به حالت رکود و سکون در آمد<sup>12</sup> .

#### امپریالیسم نو

علل حیات یافتن دوباره امپریالیسم را می توان به طور خلاصه به شرح زیر بیان کرد :

- کشورهای اروپایی که در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی درگیر جنگهای ناپلئونی در اروپا شده بودند ، در اواخر قرن نوزدهم و پس از گذشت بیش از نیم قرن از صلح کنگره وین یک دوره ثبات را تجزیه می کردند و توانستند از نظر سیاسی و اقتصادی تجدید قوا کنند . آنها اکنون با فراغت از مسائل باز سازی داخلی ، می توانستند به سوی سایر سرزمینها بروند
- نیاز به فروش کالاهای تولیدی اضافی در جهان که تعرفه های گمرکی آنها روبه ازدیاد بود . پس از انقلاب صنعتی ، تولیدات کارخانه ها در حجم زیادی صورت می گرفت و بازارهای داخلی قادر به جذب این اضافه تولید نبودند . بنابراین می بایست بازارهای جدید در سرزمین های جدید ، تحت تسلط و کنترل در آید تا این اضافه تولید کارخانجات به فروش برسد .
- افزایش تولید کالا پس از انقلاب صنعتی ، نیاز به مواد خام معدنی را افزایش می داد و کشورهای اروپایی یا فاقد این مواد معدنی بودند یا در حد کافی نداشتند . بنابراین در جست و جوی آن به سرزمین های جدید رو آوردند .
- انباشت سرمایه از علل اصلی رشد امپریالیسم جدید بود . سرمایه داران در سایر سرزمین ها سرمایه گذاری کردند و متوقع بودند که دولت از آنها حمایت کند و این حمایت ، به ایجاد سلطه منجر می شد .
- تقویت این فکر که جمعیت اضافی اروپا مکانی برای زیستن می خواهد ، از بهانه های تصرف مستعمرات بود .

- از بهانه های دیگر می توان به موج توسعه تبلیغات مذهبی اشاره کرد . در این رابطه میسیونرهای مسیحی برای به اصطلاح هدایت مردم سایر سرزمینها به آنجا رفته ، مقدمات سلطه جدید را فراهم می کردند .
- اظهار علاقه به کشف و جهانگردی در سرزمین های اسرار آمیز دور دست ، بهانه دیگری بود .

بنابراین امپریالیسم نو در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی با این عقیده که دولت وظیفه دارد با دخالت خود به تجارت کمک کند ، ایجاد اشتغال نماید و تجارت خارجی را رونق بخشد ، سریعاً توسعه یافت .<sup>13</sup>

### ✍ سیر تاریخی استعمار قدیم

مرحله تاریخی استعمار قدیم از قرن شانزدهم تا نیمه اول قرن نوزدهم است . در این دوره ، استعمارگران با کشف راههای دریایی و سرزمین های جدید به انحصار تجارت دنیا دست یافتند . بارزگانان غربی که به تدریج تحت حمایت نظامی - سیاسی دولتهای استعماری قرار گرفتند ، ضمن ایجاد مراکز تجاری در بندرها ، انحصار مبادلات عمده را در دست گرفتند . در مرحله بعد ، با ورود به داخل سرزمینها و ایجاد مراکز مهاجر نشین گام به گام به سوی سلطه جویی بیشتر پیش رفتند .

در مرحله نهایی ، با تأسیس حکومتها و دولتهای دست نشانده ، به غارت منابع و سرمایه های آنان پرداختند . بدین سان ، دول استعمارگر اروپایی در طی حدود پنج قرن دنیا را بین خود تقسیم و به عنوان مراکز قدرت جهانی به استعمار ملتتهای محروم و ستمدیده قاره های آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین پرداختند .<sup>14</sup>

### ✍ سیر تاریخی استعمار نو

بیداری ملتتهای تحت سلطه و مبارزات حق طلبانه آنان با استعمارگران موجب شد تا دولتهای استعماری قبلی با چهره ها و روشهای نوینی به غارت و چپاول بپردازند .

انسان فزون طلب و سلطه جو که تربیت شده و انگیزه یافته از اندیشه های مادی است ، در صدد کسب سود بیشتر و ثروت اندوزی بی حد و مرز بر می آید ، اما این انسان همواره ابزار لازم برای اعمال این انگیزه را نداشته است . با پیدایش ماشین بخار و استفاده از آن در کشتیرانی و با استفاده از تکنیک تازه تولید و سرعت یافتن تولید کالاها ، کشورهای غربی و مردم ماجراجوی آن ، ابزار لازم را برای اعمال انگیزه فزون خواهی و سلطه جویی به دست آوردند و در پی جلب مواد خام ، یافتن بازار مصرف برای کالاهای خود و غارت منابع کشورهای دیگر به استعمار آنها به شیوه جدید بر آمدند . بنابراین استعمار نو تداوم همان استعمار قدیم ، لیکن در قالب و مکانیسم نوین است . این واژه بیانگر آن است که حیات دولتهای قدرتمند و ثروتمند به غارت منابع ملتتهای محروم وابسته است و آنان به طور اجتناب ناپذیر با سبکها و روشهای جدیدی سعی در حفظ و تداوم سلطه قبلی خود دارند . وابستگی کشورهای جهان سوم به قدرتهای استعمارگر ، از نموده های بارز این پدیده است ؛ امپراتوری های استعماری سابق نیز در قالب



پیشرفته ترین تکنیک ها تلاش دارند جهان سوم را به همان صورت عقب مانده نگه دارند و باین امر به بهترین و بیشترین منافع اقتصادی و سیاسی دست یابند.<sup>15</sup>

## اهداف استعمار و امپریالیسم<sup>16</sup>

استعمارگران سلطه گران غربی برای تصرف و تسخیر و نفوذ در سرزمین های ملل ضعیف و تداوم سلطه خود اهداف سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و نظامی گوناگون را دنبال می کنند .

### 1. اهداف سیاسی :

**الف - تربیت مدیران و سیاستمداران وابسته :** یکی از مهم ترین اهداف سیاسی قدرتهای امپریالیستی ، تربیت اشخاص را برای به دست گرفتن قدرت در کشورهای مستقل ، و یا نفوذ در صاحب منصبان این کشورها و همراه کردن آنان با خود است . علاوه بر آن ، قدرتهای استعماری سعی داشته و دارند که افراد بومی و غیر بومی را تعلیم داده ، با عناوین تکنیسین و مشاور، و در واقع برای تصدی امور سیاسی به آن کشورها بفرستند .

کشورهای استعمارگر ، بخصوص امریکا عقیده دارند : « ما می توانیم به آنهایی که در دست ما پرورش یافته اند اعتماد خیلی بیشتری بکنیم و ... آنها را در سمتهای حساس در کشورشان به کار بگماریم . »<sup>17</sup>

**ب - سرنگونی رژیمهای انقلابی و مردمی :** آمریکا در راس کشورهای امپریالیستی در راستای اهداف سلطه گری خود مبارزه با رژیمهای انقلابی و سرنگونی آنها را ، یکی دیگر از اهداف سیاسی خود می داند . مقام معظم رهبری در این باره می فرماید :

نظام سلطه به میل خود انقلابها را نفی و برای رژیمهای انقلابی اشکال تراشی می کند .<sup>18</sup>

زیرا حکومتهای انقلابی و مردمی بزرگ ترین مانع در مقابل زیاده طلبی و زورگویی امریکا و دیگر سلطه جویان است . نظام سلطه در ابتدا می کوشد با مطیع کردن سیاستمداران به اهداف مورد نظر نایل آید . اما اگر به نتیجه دلخواه نرسد هیچ ابایی از دخالت و حضور مستقیم نظامی نخواهد داشت . اشغال گرانادا ، پاناما نمونه هایی از این بی پروایی و گستاخی محسوب می شوند . استعمارگران برای سرنگونی رژیمهای انقلابی و مردمی همه امکانات خود را به کار می گیرند . به عنوان مثال در سال 1914 میلادی قانونی در امریکا به تصویب رسید که به رئیس جمهور اجازه می داد تا اسلحه و سایر مهمات را به هر کشوری که دفاع از آن برای امنیت امریکا حیاتی باشد واگذر نماید ،<sup>19</sup> و اقدام به سرنگونی رژیمها را در جهت منافع ملی امریکا قلمداد کند .

## 2. اهداف اقتصادی :

**الف - چیاول و غارت مستقیم ثروتها :** کشورهای اروپایی و به ویژه بازرگانان که افسانه گنجهای بی پایان شرق حرص آنان را برانگیخته بود، به دنبال دست یابی به این ثروتها، از قرن پانزدهم به طرف کشورهای امریکای جنوبی، آسیا و افریقا رهسپار شدند. اسپانیا و پرتغال در این راه پیش قدم شده، با کشف دماغه سبز در غرب افریقا و امیدنیک در جنوب این قاره، خود را به این مناطق ثروتمند رساندند. این دو کشور، برای مشروعیت بخشیدن و تایید غارت و چیاول خود، از پاپ کمک گرفتند و پاپ در سال 972 ه. ش 1493 میلادی فرمانی صادر کرد که براساس آن، تمام امریکای شمالی، مرکزی و قسمت عمده امریکای جنوبی به اسپانیا، و چین، هند، ژاپن و سایر سرزمینهای شرقی به علاوه تمام افریقا به پرتغال اعطا شد که به « فرمان تقسیم » معروف شد.

بعدها فرانسه، انگلیس، آلمان و بلژیک نیز به آن دو کشور اضافه شده و هرکدام در یک یا چند قاره، ثروت های مردم بومی را مانند طلا، نقره، مس، عاج، الماس و ... غارت کردند و فرهنگ و تمدن بومیان مانند امپراتوری « مایا » در مکزیک « اینکا » در پرو را، نابود کردند.<sup>20</sup>

بدین تربیت، استعمارگران اروپایی از قرن پانزدهم تا نوزدهم میلادی، با غارت و چیاول ثروت مردم سایر قاره ها، به ثروت های زیادی دست یافتند و همین ثروتها باعث وقوع انقلاب صنعتی در انگلیس گردید.<sup>21</sup>

**ب - تحمیل نظام تک محصولی :** سلطه کشورهای استعماری بر کشورهای افریقا، آسیا و امریکای جنوبی طی چند قرن دارای نتایج و پیامدهایی بوده است. به عبارت دیگر، هدف کشورهای سلطه گر از حضور در این گونه کشورها به یک یا چند مورد ختم نمی شود، بلکه تجاوزگران با توجه به زمان و مکان حضور خود، اهدافی را به دنبال می کردند. به طور مثال آنها، نخست به فکر غارت و ثروت این گونه کشورها و سپس اسیر کردن مردم آن بودند. اما بعد از این که از طریق غارت این گونه ثروتها به رشد و توسعه و تولید انبوه دست یافتند، هدف اصلی آنها، تأمین مواد اولیه صنایع پیشرفته و فروش تولیدات صنعتی خود به این کشورها شد. لازمه این کار، محدود کردن تولیدات کشورهای دیگر یا از هم پاشیدن نظام اقتصاد کشاورزی خود کفا و در مواردی، جایگزین شدن آن با نظام تولید غلات و محصولات زراعی به منظور صادرات بود.

در حقیقت تک محصولی شدن این مناطق و صدور محصولات کشاورزی توسط عوامل دولتهای وابسته از یک سو، باعث خروج تولیدات از نظام اقتصاد ملی شد و از سوی دیگر، تراکم انباشت سرمایه در این گونه کشورها را مختل کرد.

نتیجه این عمل این بود که گردش سرمایه گذاری این گونه کشورها با مشکل روبه رو شود. علاوه براین، استعمارگران برای کشورهای دیگر محدودیتهای تجاری نیز به وجود آوردند. آنها با تصویب قوانین و اعمال شرایط استثمار کننده، هرگونه تجارتی را که نیاز کشورهای استعمارگر را تأمین نمی کرد، ممنوع می کردند. استعمارگران در این دوران طولانی، اثرات تخریبی عمیق و پایداری بر ساخت اقتصادی و پیشرفت این گونه کشورها به جا گذاشتند. به طوری که حتی امروز هم مسئله حجم مبادلات بین المللی یکی از مشکلات اساسی بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای استعماری است.<sup>22</sup>

### 3. اهداف فرهنگی

**الف - نفی ارزشهای فرهنگی :** سلطه گران بین المللی و در رأس آنان آمریکا ، فرهنگ و معتقدات ملی کشورهای را از موانع اصلی ادامه حاکمیت مطلق خود می بینند . آنها می خواهند فرهنگ ملی ملل مستضعف را محو نموده ، به جای آن فرهنگ و ارزشهای خود را جایگزین کنند . در این صورت است که چیاول جهان سوم بدون وقفه و به راحتی ادامه پیدا میکند . استعمارگران جهان را با عینک اعتقادی و فرهنگی خود مشاهده میکنند ، بنابراین هر حرکت آگاه کننده ای را که مطابق با فرهنگ سلطه گرایانه آنان نباشد ، به شدت محکوم و منکوب می نمایند . وبه طور مسلم مردم آلوده به چنین فرهنگی ، دیگر به ارزشهای فرهنگی خود توجه ای نشان نمی دهند .

**ب - ترویج و اشاعه فساد :** خوش گذرانها ، مصرف زدگی و ... جلوی هر گونه تفکر و خلاقیت مفید را می گیرد . بنابراین چنین جامعه ای به هیچ وجه توجه ندارد که چه کسانی چرا و چگونه بر او حکومت می کنند . فساد قدرت تخریبی زیادی دارد ، عقل و روح انسان را آلوده میکند و انسانها را برده و اسیر خود نموده ، استعدادها را خاموش ساخته و از بین می برد . فساد اخلاقی بر افکار عمومی اثر عمیق می گذارد و نظام آموزشی را به سمت انحراف و انحطاط سوق میدهد .

امام خمینی ( ره ) درباره فساد حاکم بر جامعه تحت حکومت رژیم ستم شاهی ایران می فرماید :

خدا می داند که اگر قدرت محفوظ مانده بود تاحلا چه برسر اسلام در این جا آورده بود . اگر مهلت پیدا میکرد این رژیم غیر انسانی ، اسلام را از محتوای خودش به کلی خالی می کرد و یک سورت بی محتوا ، حتی صورت را هم نمی گذاشت حفظ شود .<sup>23</sup>

ترویج فساد که از سوی نظام سلطه در جهان انجام می شود ، ناشی از تفکر مادی گرایانه انسان غربی است که سعادت و خوشبختی انسانها را در لذتهای مادی می بینند ، در نتیجه اشاعه فساد ، سلطه گران به مواد خام ، نیروی انسانی ارزان و بازار مصرف گسترده دست می یابند .

### 4. اهداف نظامی :

**الف - ایجاد در گیریهای منطقه ای :** امپریالیسم جهانی همواره وجود کانونهای تشنج و اختلاف و درگیری را از عوامل مهم توجیه حضور خود میداند و با وجود مناطق بحرانی در نقاط مختلف جهان و دامن به آتش اختلافات بین کشورها ، زمینه را برای دخالت و بهره گیری عوامل خویش مهیا می سازد . لذا وجود کانونهای بحران موجب ادامه حضور نظام سلطه گر خواهد بود . سلطه جریان از ایجاد و اداره این قبیل بحرانها دو هدف اساسی را دنبال می کنند : نخست آنکه می خواهند به این وسیله کشورهای جهان سوم را درحالت ضعف و ناتوانی نگه داشته ، آنان را از دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی ، فرهنگی و ... خود باز دارند . دوم در نتیجه ضعف ، ناتوانی و وابستگی این کشورها ، امکان ادامه سلطه خود را بر آنان فراهم سازند . جهان خواران برای اینکه بتوانند پس از استقلال سیاسی جهان سوم به سلطه خود ادامه دهند ، موزیانه سعی می کنند تا مرزهای جغرافیایی این

کشورها براساس واقعیت‌های تاریخی تنظیم نگردد، واز سوی دیگر در این رابطه ویژگی‌های فرهنگی، قومی و اقتصادی ملل از بند رسته را در مورد توجه قرار نمی‌دهند.<sup>24</sup>

**ب - تأسیس پایگاه‌های نظامی در سراسر جهان:** دولت امریکا دارای 1234 پایگاه نظامی در 44 کشور جهان است.<sup>25</sup> آمریکا در کشورهای بحرین، عمان، سودان، سومالی، کنیا، جزیره دی یگوگارسیا و ...<sup>26</sup> دارای پایگاه‌های متعدد نظامی است. این پایگاه‌ها با هدف سرکوب مبارزات مردمی و انقلاب‌های داخلی کشورهای جهان سوم ایجاد شده‌اند. همچنین این پایگاه‌ها زمینه دخالت سیاسی رادزمان صلح و جنگ فراهم می‌آورند و یا قادرند با فشار به دولت محلی آنان مطیع خواست‌های آمریکا نمایند. نظامیان آمریکایی فرهنگ و آداب خود را در کشورهای محل استقرار، رواج می‌دهند و به تربیت مستقیم و غیر مستقیم افراد نظامی بومی می‌پردازند تا در حال و آینده از آنان برای مقاصد خود استفاده کنند.

### روش‌های نفوذ و سلطه استعمار و امپریالیسم قدیم

استعمار و امپریالیسم جهانی برای نفوذ در سرزمین‌های غیر اروپایی و تداوم سلطه خود شیوه ی گوناگونی را به کار می‌بردند. در اینجا چند روش عمده و شناخته شده آنان را بیان می‌داریم.

#### 1. تجارت برده:

داستان کشورهای افریقایی و آسیایی در مقابل استعمارگران از یک سو، حکایت ظلم ستم، شقاوت و بی‌شرمی استعمارگران از سوی دیگر، داستان مظلومیت، فقر، مرگ و تقلای مردم تحت ستم است. استعمارگران از همان آغاز تسلط خود بر آسیا و بویژه افریقا دست به اقدامی زدند که از یک سو، ثروت و پیشرفت را برای آنها به ارمغان آورد و از سوی دیگر، چنان ضربه‌هایی به کشورهای استعمار زده وارد کرد که آثار شوم آن تاکنون نیز باقی است و هنوز هم نتوانسته‌اند از نتایج مصیبت بار این فجایع رها شوند. یکی از موارد فاجعه آمیز، تجارت برده از این کشورهاست.

پرتغال نخستین کشوری بود که شروع به تجارت برده از افریقا کرد. نخستین محموله برده و طلا در سال 1441 میلادی، وارد لیسبون پایتخت آن کشور شد. بریتانیا، هلند، فرانسه، اسپانیا، دانمارک و امریکا بعد از پرتغال وارد تجارت برده شدند. سوداگران برده با وجود تلفات سنگین اسیران، ثروت زیادی از این گونه تجارت به دست آوردند، زیرا هر برده را 70 الی 200 فرانک در افریقا می‌خریدند و ده برابر قیمت آن در کشورهای اروپا و آمریکا می‌فروختند.<sup>2</sup>

#### 2. ترویج استعمال مواد مخدر:

یکی دیگر از راه‌های گسترش و ادامه نفوذ نظام سلطه، رواج مواد مخدر است. تاریخ شروع و توسعه مصرف مواد مخدر از جمله تریاک، هروئین، حشیش، شیره و ... در کشورهای تحت سلطه همزمان با ورود اروپائیان به این سرزمین‌هاست.

آغاز کننده گسترش کشت و استعمال مواد مخدر در کشورهای تحت سلطه ، شرکت هند شرقی انگلستان بوده است . این شرکت پس از ورود به هند ، مشوق کاشت و تجارت تریاک در هندوستان و عامل توسعه مصرف آن کشور و سایر کشورهای آسیایی شد . هر چند ژاپن توانست مردم کشور خود را تا حدودی از اعتیاد دور نگه دارد ، ولی مبارزه چین علیه توسعه مصرف تریاک با استعمار انگلیسی منجر به دو جنگ مهم بین آن دو کشور و در نتیجه شکست چین در هر دو جنگ در سالهای 1840 و 1858 میلادی شد و پس از آن تجارت تریاک در چین نیز به صورت قانونی در آمد .<sup>28</sup>

اعتیاد به مواد مخدر در ایران از زمان قاجاریه شروع شد و این مقارن با زمانی است که استعمار انگلیس می کوشید کشورهای همسایه هند را تضعیف کند . در سال 1249 ه . ش قرارداد تجاری بین شرکت هند شرقی و ناصرالدین شاه منعقد شد که بخشی از آن مربوط به تریاک بود . این قرارداد از چند جهت باعث گسترش مصرف تریاک در ایران شد . اول اینکه از این زمان به بعد ، دربار ایران وابسته به در آمد حاصل از فروش تریاک شد . دوم اینکه خشخاش که تا این زمان در ایران یک گیاه خودرو بود ، به صورت یک محصول زراعی در آمد و زمینهای زیادی به زیر کشت آن رفت . سوم اینکه عوامل دولت انگلستان شیوه تریاک را که ناشی از مصرف آن بود ، گرانتر از خود تریاک می خریدند و بدین تربیت عده ای برای فروش شیوه تریاک به صورت حرفه ای به کشیدن تریاک روی آوردند .<sup>29</sup>

بدین ترتیب استعمارگران به وسیله زور ، قانون ، تشویق و تبلیغ ، کشت و تجارت و مصرف مواد مخدر را در کشورهای تحت سلطه گسترش دادند و بدین ترتیب موفق شدند . جوانان این گونه کشورها تا حد زیادی در قید و بند کنند .

## روشهای نفوذ و سلطه استعمار و امپریالیسم جدید

### 1. دست نشانندگان داخلی و بومی :

استعمار نوین با خارج کردن نیروهای نظامی و عوامل شناخته شده خود از مناطق استعمار زده دست نشانگان و سرسپردگان داخلی و بومی را روی کار می آورد ، همانها که به ظاهر داعیه تامین منافع ملی داشته و خود را دلسوز مردم کشور خود جلوه می دهند ولی در واقع جز تامین منافع اربابان خود سودایی در سر ندارند :

مکانیسم مهم استعمار نو ، حکومتی است که در خود کشور مستعمره برپا می شود . حکومت جدیدترین کشورهایی یافته اند حکومتی متشکل از گروه نخبگان است . این گروهها توسط استعمار تشکیل شدند . ایالات متحده آمریکا و سایر قدرتهای استعماری بارها در امریکای لاتین ، آفریقا و آسیا به حکومتی های ارتجاعی یاری رساندند و با خود آنها را روی کار آوردند .<sup>30</sup>

ویژگی این روش آن است که اولاً هزینه و بدنامی کمتری برای استعمارگران سلطه گر دارد و در نتیجه ، راحت به امیال خود می رسند ، ثانیاً کشورهای زیر نفوذ استعمار ، به ظاهر دارای استقلال سیاسی به نظر می رسند ، ولی در باطن ، وابستگی آنها حفظ می شود .

### 2. حقوق بشر:

در جهان متمدن و پیشرفته امروزه واژه حقوق بشر معنای حقیقی خود را از دست داده و به صورت یک حربه سیاسی در دست قدرتمندان چپاولگر در آمده است. نقض حقوق بشر به صورتی فراگیر در عملکرد دول سلطه گر غربی پدیدار گشته است، به گونه ای که آتش آن تنها در درون مرزهای داخلی آنها محدود نشده، بلکه گستره آن ممالک دیگر را نیز در بر گرفته است. بی توجهی به حقوق بشر در صحنه نظام بین الملل به صورت تهاجمات نظامی و فرهنگی و سیاسی، گرسنگی جهانی، کودکان، غارت منابع طبیعی کشورهای عقب نگهداشته شده و ... اثر منفی خود را در جهان سوم باقی می گذارد. در حال حاضر یکی از اهرمهای فشار کشورهای استعمارگر به ویژه امریکا علیه کشورهایی همچون ایران که حاضر به پذیرفتن سلطه آن کشور نیستند، اهرم حقوق بشر است. اگر سیاستهای داخلی و خارجی کشوری در راستای منافع غرب نباشد و یا به ضرر آنها باشد، با استفاده از این ابزار چنان به حیثیت آن لطمه وارد می آورند که سرانجام ناچار شود خود را با غرب یا منافع آنها هماهنگ کند.<sup>31</sup> به عنوان مثال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امریکا به دلیل صدماتی که انقلاب اسلامی متحمل شده، از این حربه بسیار استفاده می کند. آمریکا در سالهای اخیر و با استناد به گزارشهای نمایندگان کمیسیون حقوق بشر، منافقین و ضد انقلاب فراری، بارها جمهوری اسلامی ایران را به نقض حقوق بشر متهم کرده است. در نظر آنان موارد زیر از مصادیق نقض حقوق بشر بوده است: اجرای برخی احکام قضایی اسلام، اعدام قاچاقچیان مواد مخدر، جدا سازی زنان از مردان در اتوبوسهای شرکت واحد و مانند آن.

### 3. ترور و تروریسم:

یکی از جدیدترین روشهایی که استعمارگران به ویژه امریکا سلطه گر پس از فروپاشی شوروی علیه کشورهای مستقل مثل ایران به کار می برند، متهم کردن آنان به ترور و تروریسم است. امریکا پس از حوادث 20 شهریور 1380 و فرو ریختن ساختمانهای مرکز تجارت جهانی در واشنگتن، به مردم گرسنه، بی پناه و آواره و افغانستان حمله کرد تا به اصطلاح دولت حامی تروریست طالبان را که خود و هم پیمانانش در روی کار آمدن آن نقش داشتند، سرنگون کند. پس از آن با «محور اهریمنی» خطاب کردن عراق، ایران و کره شمالی در صدد ضربه به این کشورها، به ویژه عراق بر آمد. علت عمده این دیدگاههای امریکا پس از فروپاشی شوروی، تحول در نگرشهای حاکم در آن کشور به ویژه جمهوری خواهان پس از روی کار آمدن «جرج دلبلیو بوش» است. آنها در چارچوب نظریه نظم نوین جهانی، دیدگاههای نظامیگری (میلتاریستی)، یک جانبه گرایی، درون نگری و ... دارند.<sup>32</sup>

### 4. تهاجم یا شبیخون فرهنگی:<sup>34</sup>

این اصطلاح مترادف با امپریالیسم فرهنگی یا امپریالیسم فرهنگی و خبری است.

امپریالیسم فرهنگی عبارت است از:

اعمال قدرت اقتصادی ، سیاسی و نظامی برای اشاعه ارزشها و فرهنگ مربوط به آن میان ملت دیگر برای جدا کردن مردم از ریشه های فرهنگی ، قطع پیوندهای سنتی و اجتماعی بیگانه کردن مردم از یکدیگر تهاجم فرهنگی یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزشهای فرهنگی کشورهای امپریالیسم در میان کشورهای جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملتها .<sup>35</sup>

امپریالیسم امریکا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، روشهای گوناگونی را برای سرنگونی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از جمله ترور ، کودتا ، جنگ ، درگیری داخلی و ... به کار برد . اما زمانی که از راههای مذکور به نتیجه نرسید ، موضوع تهاجم فرهنگی و به تعبیر مقام معظم رهبری « شبیخون فرهنگی » را درپیش گرفت ، تا از این طریق نسل دوم انقلاب را از آن جدا کرده ، فرهنگ و ارزشهای غربی را ترویج کند . ماهواره ، اینترنت ، رسانه های غربی ، نوارهای ویدئویی و کاست و .... از جمله ابزارهای کار آمد تهاجم فرهنگی اند .<sup>36</sup>

## پاورقی ها :

- 1 - جواد منصوری ، شناخت استکبار جهانی ، ص 20 و نیز ر . ک : داریوش آشوری ، دانشنامه سیاسی ، ص 37 .
- 2 - علی بابایی ، غلامرضا ، فرهنگ علوم سیاسی ، ص 73 .
- 3 - چارلز رینولدز ، وجوه امپریالیسم ، ص 3 .
- 4 - مجتبی هاشمی رکاوندی ، فلسفه انقلاب و امپریالیسم جهانی معاصر ، ج 1 ، ص 145 - 148 و نیز احمد ساعی ، نظریه های امپریالیسم ، ص 59 - 64 .
- 5 - همان ، ص 164 - 167 .
- 6 - همان ، ص 175 - 178 .
- 7 - فرهنگ معین ، ذیل واژه ها استعمار
- 8 - علی آقا بخشی ، فرهنگ علوم سیاسی ، ص 56 و 224 .
- 9 - همان ، ص 56 و 224 .
- 10 - همایون الهی ، شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم ، ص 9-13 .
- 11 - مرکانتیلیسم ( مکتب سوداگری ) سیاست اقتصادی که در قرن 17 و اوایل قرن 18 تقریباً به وسیله کلیه ملت های سوداگر تعقیب می شد و هدف آن ازدیاد ثروت و قدرت یک ملت به وسیله تشویق صدور کالاها در مقابل ورود طلا بود . ( فرهنگ علوم اقتصادی ( انگلیس - فارسی ) ، منوچهر فرهنگ .
- 12 - همان ، هص 18 - 21 .
- 13 - برای آگاهی بیشتر در این زمینه به کتب زیر مراجعه شود :  
- شناخت استکبار جهانی ، جواد منصور ، انتشارات آستان قدس رضوی مشهد 1367 .  
- فلسفه انقلاب و امپریالیسم جهانی معاصر ، ج 1 ، مجتبی هاشمی رکاوندی ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم 1368 .  
- استعمار و امپریالیسم ، ج 1 ، سید محمد حسین ملکوتی ، چاپخانه اسلام قم ، بی تا .  
- مقدمه ای بر استعمار نو ، جک وودیس ، ترجمه سعید روحانی ، انتشارات صنوبر ، تهران ، 1359 .  
- امپریالیسم و جهان عقب مانده ، علیرضا علی آبادی ، انتشارات صنوبر ، تهران ، 1362 .
- 14 - جواد منصوری ، شناخت استکبار جهانی ، ص 65 - 69 . و نیز ، نظام جهانی ، ص 71 - 79 .
- 15 - هرچند معنای استعمار و امپریالیسم از نظر لغوی و اصطلاحی با هم متفاوت است ، اما استعمار و امپریالیسم مکمل یکدیگرند و غیر قابل تفکیک می باشد ، زیرا سیاست امپریالیسم مبتنی برکشور گشایی و داشتن مستعمره می باشد و در جهت رسیدن به اهداف خود که تسلط برکشوری دیگر است با استعمار توأم می شود . ( شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم ، همایون الهی ، تهران ، نشر قومس 1383 ، ص 9 ) .
- 16 - جک وودیس ، مقدمه ای بر استعمار نو ، ترجمه سعید روحانی ، ص 89 .
- 17 - متن کامل سخنرانی معظم له در زمان ریاست جمهوری در مجتمع عمومی سازمان ملل متحد .
- 18 - فرامرزبان ، نظامیگری و اقتصاد در ایالات متحده امریکا ، ترجمه مرتضی کاظمی ، ص 27 .
- 19 - همایون الهی ، امپریالیسم و عقب ماندگی ، ص 66 - 67 .
- 20 - همان ، ص 69 - 71 .
- 21 - همان ، ص 73 .
- 22 - همان ، ص 79 .
- 23 - صحیفه امام ، ج 17 ، ص 313 .



- 24 - جواد منصوری ، شناخت استکبار جهانی ، ص 109 - 110 .
- 25 - همان ، ص 75 .
- 26 - جک وودیس ، مقدمه ای بر استعمار نو ، ترجمه سعید روحانی ، ص 98 .
- 27 - دی یگوگاریسیا ، جزیره ای است که در اقیانوس هند واقع شده است .
- 28 - همایون الهی ، امپریالیسم و عقب ماندگی ، ص 73 .
- 29 - همان ، ص 88 - 91 .
- 30 - همان ، ص 92 .
- 31 - راما ملکوتی و ناراسیمها رائو ، روابط بین المللی ، ترجمه علی صلح جو ، ص 236 - 237 .
- 32 - داود فریحی ، تمدن غرب ، فصلنامه علوم سیاسی وابسته به مرکز آموزش عالی باقر العلوم ، ش 1 ، ص 58 .
- 33 - صبح صادق ، دوشنبه 22/11/80 ، ص 4 .
- 34 - Cultural Inrasion
- 35 - علی آقا بخشی ، فرهنگ علوم سیاسی ، 81 .
- 36 - برای آگاهی بیشتر از تهاجم فرهنگی به منابع زیر مراجعه شود :
- فرهنگ و تهاجم فرهنگی ، برگرفته از سخنان معظم رهبری ، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی ، تهران 1375 .
- فرهنگ مهاجم و فرهنگ مولد ، جلال رفیع ، انتشارات اطلاعات ، تهران ، 1374 .
- جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی ، جواد منصوری ، انتشارات آستان قدس رضوی ، مشهد ، 1376 .
- تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران ، اسماعیل شفیعی سروستانی ، موسسه کیهان ، تهران ف 1372 .

#### منابع :

- جواد منصوری ، شناخت استکبار جهانی ، انتشارات آستان قدس رضوی ، مشهد ، 1367 .
- علی بابایی ، غلامرضا ، فرهنگ علوم سیاسی ، نشر و پخش ویس ، تهران ، 1369 .
- رینولدز ، چارلز ، وجوه امپریالیسم ، ترجمه حسین سیف زاده ، انتشارات وزارت امور خارجه ، تهران ، 1371 .
- هاشمی رکاوندی ، مجتبی ، فلسفه انقلاب و امپریالیسم جهانی معاصر ، ج 1 ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ، 1368 .
- ساعی ، احمد ، نظریه های امپریالیسم ، نشر قومس ، تهران ، 1376 .
- معین ، محمد ، فرهنگ ، انتشارات امیر کبیر ، تهران ، 1360 .
- آقا بخشی ، علی ، فرهنگ علوم سیاسی ، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران ، تهران ، 1374 .
- الهی ، همایون ، شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم ، نشر قومس ، تهران ، 1383 .
- منصور ی ، جواد ، شناخت استکبار جهانی ، انتشارات آستان قدس رضوی مشهد 1367 .
- هاشمی رکاوندی ، مجتبی ، فلسفه انقلاب و امپریالیسم جهانی معاصر ، ج 1 ، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم 1368 .
- ملکوتی ، سید محمد حسین ، استعمار و امپریالیسم ، ج 1 ، چاپخانه اسلام قم ، بی تا .
- وودیس ، جک ، مقدمه ای بر استعمار نو ، ترجمه سعید روحانی ، انتشارات صنوبر ، تهران ، 1359 .
- علی آبادی ، علیرضا ، امپریالیسم و جهان عقب مانده ، انتشارات صنوبر ، تهران ، 1362 .

- فرامرزبان ، ر . ۱۰ ، نظام‌گیری و اقتصاد در ایلات متحده امریکا ، ترجمه مرتضی کاظمی ، [ بی تا ] تهران ، ۱۳۶۰ .
- الهی ، همایون ، امپریالیسم و عقب ماندگی ، شرکت افست ، تهران ، ۱۳۶۷ .
- ملکوتی ، راما ، رائو ، ناراسیمها ، روابط بین المللی ، ترجمه علی صلح جو ، چاپ و نشر بنیاد ، تهران ، ۱۳۶۸ .
- فریحی ، داود ، تمدن غرب ، فصلنامه علوم سیاسی وابسته به مرکز آموزش عالی باقر العلوم ، ش ۱ ، زمستان ۱۳۷۷ .
- « برگرفته از کتاب غرب شناسی ۲ ، نویسنده : علی باغی نصر آبادی ، ناشر : معاونت نیروی مقاومت بسیج ، دی ماه ۸۳ »